

نگاهی به موقعیت و جایگاه حقوق کیفری اقتصادی ایران

دکتر محمد صالح ولیدی

(دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران)

(قسمت پایانی)

امید است که مختصر مطالبی که پیرامون قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از مصادیق بارز حقوق کیفری اقتصادی که طی چند شماره مجله دادرسی تقدیم گردیده است، در حد خود بتواند زمینه تحلیل‌های بیشتر و بستر مناسبی برای طی سایر جرایمی که در زمره حقوق کیفری اقتصادی محسوب می‌شوند از قبیل پول شویی، پورسانت و نظایر اینها را در جامعه حقوقی ما فراهم نماید. ان شاء الله.

مبحث اول:

سازمان و صلاحیت مراجع و آیین رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی به پرونده‌های قاچاق، تابع تشریفات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ نیست؛ بلکه برای ایجاد وحدت رویه رسیدگی در محاکم قضایی، رسیدگی به پرونده‌های قاچاق، تابع مقررات دستورالعمل خاص مصوب مورخ ۱۳۷۴/۳/۹ قوه قضاییه می‌باشد، که در اجرای تبصره یک ماده

قاچاق کالا و ارز

یادآوری:

به طوری که خوانندگان و علاقمندان مجله دادرسی استحضار دارند، در شماره قبل پیرامون قاچاق امور گمرکی مطالبی از نظرتان گذشت. در این شماره نیز در ادامه بحث راجع به قاچاق کالا و ارز و با عنایت به مقررات قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، مطالبی در خصوص نحوه شروع به دادرسی و سازمان و صلاحیت مراجع قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی و تشریفات رسیدگی به پرونده‌های قاچاق و تجدیدنظر خواهی از آرای مربوط به قاچاق کالا و ارز و نحوه برداشت از دستورالعمل رسیدگی رئیس قوه قضاییه که به دستور تبصره یک ماده (۴) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و تدوین و به مورد اجرا درآمده است، در حد حوصله و وقت صفحات مجله بحث می‌کنیم و در قسمت نهایی نیز احکام همکاری و مساعدت در ارتکاب قاچاق اعم از شرکت و معاونت را مورد بحث قرار می‌دهیم.



(۴) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز^(۱) که در سه فصل و شامل چهارده ماده است، می باشد. بنابراین، آیین دادرسی مربوط به رسیدگی به پرونده های قاچاق، در حال حاضر براساس مفاد مقررات دستورالعمل یادشده صورت می گیرد. برای آگاهی از آیین دادرسی و سازمان و صلاحیت مراجع قضایی، مطالب این مبحث را به ترتیب زیر مطرح و بررسی می کنیم:

۱- شروع به دادرسی؛

۲- سازمان و صلاحیت مراجع قضایی؛

۳- تشریفات رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز؛

۴- تجدیدنظر خواهی از آرای مربوط به قاچاق کالا و ارز.

گفتار اول:

شروع به دادرسی جرم قاچاق

جهت قانونی برای رسیدگی به جرم قاچاق بر طبق ماده (۱) آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب هیأت وزیران در مورخ ۱۳۷۴/۲/۳۱، سازمان هایی هستند که به موجب قانون، موظف به وصول درآمدهای دولت می باشند، که به عنوان شاکی، مأمور اعلام شکایت علیه متهمین به قاچاق کالا و ارز هستند و به قرار ذیل است:

۱- ادارات گمرک؛

۲- دخانیات؛

۳- شیلات؛

۴- بانک مرکزی؛

۵- وزارت اطلاعات؛

۶- سازمان میراث فرهنگی؛

۷- سازمان حفاظت محیط زیست؛

۸- نیروی انتظامی و اداره پست نیز می توانند به عنوان دستگاه شاکی علیه متخلفین به مراجع قضایی و محاکم اعلام شکایت نمایند.

ضمناً، باید دانست که به دستور بند "الف" ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری، شروع به تعقیب جرم قاچاق از طرف سازمان های شاکی فوق، منوط به ارجاع پرونده به مرجع صلاحیت دار قضایی است.

در این رابطه، در مواردی که بهای کالای موضوع قاچاق معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد، ادارات و سازمان های شاکی به ترتیبی که در قانون فعلی حاکم بر جرم قاچاق مقرر است فقط ضبط کالا و ارز مکشوفه به نفع دولت خواهد بود. در مواردی که بهای کالا و ارز قاچاق از ده میلیون ریال تجاوز کند، چنانچه متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد، با احتساب دو برابر بهای آن به عنوان

ارسیدگی به پرونده های قاچاق، تابع تشریفات قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ نیست؛ بلکه برای ایجاد وحدت رویه رسیدگی در محاکم قضایی، رسیدگی به پرونده های قاچاق، تابع مقررات دستورالعمل خاص مصوب مورخ ۱۳۷۴/۳/۹ قوه قضاییه می باشد

جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز اقدام خواهد شد و از تعقیب کیفری متهم از حیث اتهام قاچاق و شکایت علیه او صرف نظر خواهد شد. اما در صورتی که متهم به قاچاق کالا و ارز مذکور در موارد دوگانه فوق، اعتراض کند پرونده جهت رسیدگی به مرجع قضایی صلاحیت دار ارسال خواهد شد.

اما این نکته را نباید فراموش کرد که اعلام اعتراض صاحبان کالا و ارز قاچاق به ادارات و سازمان های ذی ربط، مانع از عملیات اجرایی نسبت به ضبط کالا و اخذ جریمه و سایر اقدامات نخواهد شد.

در نهایت، در مواردی که مأمورین انتظامی، کالا و ارز قاچاقی را کشف نمایند، مکلفند که پرونده هایی که فاقد سند مثبت گمرکی است و یا اینکه بهای آن بیش از دو میلیون ریال می باشد ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را با تنظیم صورتجلسه کشف و قید نوع و مشخصات و مقدار کالا و وسیله نقلیه حامل قاچاق و هویت کاشفین و مأمورین انتظامی بر حسب مورد به ادارات ذی ربط به ترتیب زیر ارسال و تحویل نماید:

۱) اگر کالای قاچاق گمرکی باشد مرجع تحویل، اداره گمرک خواهد بود.

۲) چنانچه موضوع کالای مکشوفه، مسکوک طلا و نقره و یا شمش طلا و جواهرات باشد، سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی کشور.

۳) چنانچه موضوع قاچاق، مواد مخدر یا داروهای روان گردان باشد وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی.

۴) چنانچه موضوع قاچاق، ماهی باشد، شرکت سهامی شیلات ایران.

۵) چنانچه موضوع قاچاق، اجناس دخانیه باشد، شرکت دخانیات ایران.

۶) چنانچه موضوع قاچاق، ارز مکشوفه باشد خزانه داری کل، بانک مرکزی.

۷) چنانچه موضوع قاچاق، دستگاه های گیرنده با فرکانس غیرمجاز یا دوربین های مخصوص جاسوسی باشد، وزارت اطلاعات.

۸) چنانچه موضوع قاچاق، دستگاه ها و تجهیزات ماهواره ای

باشد، سازمان صدا و سیما.

۹) چنانچه موضوع قاچاق، اسلحه و مهمات و مواد منفجره جنگی باشد، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

۱۰) چنانچه کالاهای مکشوفه، غیرقابل تصرف و یا فاسد تشخیص داده شود و یا مشروبات الکلی باشد، به تشخیص مراجع ذیصلاح مربوط و با نظارت دادستان محل و سازمان اموال تملیکی معدوم خواهد شد.

۱۱) چنانچه کالاهای مکشوفه، سریع‌الفساد باشد و یا اینکه صاحب کالا با فروش آن موافقت نماید، کالاهای مزبور با حضور نماینده دادستان به فروش می‌رسد و قیمت فروش را تا تعیین تکلیف نهایی توسط مرجع قضایی، در حساب سپرده نگهداری می‌شود، مگر اینکه مرجع صلاحیت‌دار، ادامه نگهداری عین کالا را تا تعیین تکلیف نهایی لازم بداند؛ در این صورت، طبق دستور مقام قضایی اقدام خواهد شد.

۱۲) در مواردی که صاحب کالای قاچاق تا دو سال از تاریخ کشف کالا، به دادگاه صادرکننده حکم برای مطالبه وجه حاصل از فروش کالا مراجعه نکند، حاصل فروش با اذن دادگاه صادرکننده حکم به نفع دولت ضبط خواهد شد. چنانچه متعاقباً صاحب کالا به دادگاه مراجعه کند، وجه حاصل از فروش مال به حکم دادگاه به‌وی مسترد می‌گردد.

۱۳) در مواردی که قاچاق در مرئی و منظر نیروهای انتظامی به‌طور مشهود کشف گردد. مثل بارگیری و صدور فرش در اسکله غیرمجاز، یا تخلیه پارچه خارجی قاچاق و نظایر اینها، ضابطین دادگستری کلیه اقدامات لازم به‌منظور حفظ دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم را به‌عمل آورده، و پرونده را سریعاً به نزد مقام قضایی صلاحیت‌دار فرستاده و کالای مکشوفه حسب مورد با صورت جلسه تحویل اداره ذی‌ربط خواهد داد.

۱۴) چنانچه موضوع قاچاق توسط مراجع ذی‌ربط، آلوده و غیرقابل مصرف و فاسد تشخیص گردد، مراتب با تنظیم

صورت‌مجلسی با حضور نماینده دادستان محل و نمایندگان سازمان‌های ذی‌ربط، تشکیل و تصمیم مقتضی درباره انهدام یا معدوم کردن آن اتخاذ خواهد شد.

گفتار دوم:

سازمان و صلاحیت مراجع قضایی

باتوجه به صراحت تبصره "۲" ماده (۴) قانون اعمال تعزیرات حکومتی سال ۱۳۷۴ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز ذاتاً در صلاحیت دادگاه انقلاب است مگر اینکه در حوزه قضایی محل وقوع جرم، دادگاه انقلاب وجود نداشته باشد، که در این صورت دادگاه عمومی صالح به رسیدگی به پرونده‌های قاچاق در آن حوزه خواهد بود. به‌علاوه، چنانچه در محل وقوع جرم، دادگاه عمومی هم وجود نداشته باشد، در آن صورت، سازمان تعزیرات حکومتی تا ایجاد تشکیلات قضایی (دادگاههای انقلاب یا دادگاههای عمومی) صالح به رسیدگی به پرونده‌های قاچاق خواهد بود.

بنابراین، در حال حاضر مراجع صلاحیت‌دار رسیدگی به پرونده‌های قاچاق را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم نمود:

۱- مراجع قضایی،

۲- سازمان تعزیرات حکومتی.

۱- تشکیلات مراجع قضایی و صلاحیت آنها:

اصولاً اعمال قوه قضاییه به‌وسیله دادگاههایی که این قوه مطابق قانون تشکیل می‌دهد، به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و اجرای عدالت در جامعه می‌پردازند. درارتباط با جرم قاچاق کالا و ارز نیز قوه قضاییه در اجرای تبصره‌های "۱" و "۲" ماده (۴) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز برای رسیدگی به این جرایم، در مناطقی که ضرورت تشکیل دادگاههای انقلاب یا دادگاههای عمومی احراز گردد براساس نیاز محلی و تراکم کار، به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضاییه به تعداد لازم دادگاههای انقلاب و عمومی تشکیل می‌گردد و تحت نظارت و ریاست‌اداری حوزه قضایی مربوط به جرایم قاچاق کالا و ارز رسیدگی می‌نمایند.

براین اساس، حوزه قضایی محل وقوع جرم قاچاق، دادگاه انقلاب یا دادگاه عمومی است که به‌موجب تبصره یک ماده (۴) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مرکز استان یا شهرستان یا بخش تشکیل شده و به ایفای وظیفه مبادرت می‌نماید و در صورت وجود جهات قانونی به‌شرح زیر، شروع به تحقیق و رسیدگی می‌نماید و کلیه اقدامات قضایی از بدو رسیدگی تا ختم دادرسی و صدور حکم توسط رئیس دادگاه انقلاب یا

**اعلام اعتراض صاحبان کالا و ارز قاچاق به
ادارات و سازمان‌های ذی‌ربط، مانع از عملیات
اجرایی نسبت به ضبط کالا و اخذ جریمه و
سایر اقدامات نخواهد شد**

دادگاه عمومی حوزه قضایی مربوط صورت خواهد گرفت. جهات قانونی شروع به تحقیق و رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز به قرار ذیل است:

۱- در مواردی که جرم قاچاق کالا و ارز در حوزه قضایی آن دادگاه واقع شده باشد.

۲- در مواردی که جرم قاچاق کالا و ارز در حوزه قضایی دیگری واقع شد ولی موضوع در حوزه قضایی آن دادگاه کشف شده و یا متهم به ارتکاب قاچاق در آن حوزه دستگیر شده باشد.

۳- در مواردی که جرم قاچاق در حوزه قضایی دیگری واقع شد اما متهم یا مظنون به ارتکاب قاچاق در حوزه آن دادگاه مقیم باشد.

در خصوص بند دوم و سوم موارد فوق، یعنی در مواردی که جرم قاچاق در خارج از حوزه قضایی دادگاه واقع شده باشد، اما موضوع در حوزه آن دادگاه کشف شده و یا مرتکب در حوزه قضایی آن دادگاه دستگیر شده باشد و همچنین در مواردی که دادگاه محل وقوع جرم قاچاق کالا و ارز صلاحیت محلی برای رسیدگی نداشته باشد، مانند (دادگاه عمومی با وجود دادگاه انقلاب) در آن حوزه، لازم است که دادگاه تحقیقات مقتضی را به عمل آورده و پرونده را به همراه متهم به جرم قاچاق کالا و ارز، در صورت دستگیری در آن حوزه نزد دادگاه صالح (دادگاه انقلاب) ارسال و اعزام نماید.

ضمناً، در خصوص تعدد جرم قاچاق کالا و ارز مانند اینکه کسی به دفعات در حوزه های قضایی مختلف مرتکب جرم قاچاق کالا و ارز نشده باشد، کدام یک از مراجع قضایی، صالح به رسیدگی به جرایم متعدد مرتکب خواهند بود؛ اضافه می نماید، در این قبیل موارد، دادگاه صالح به رسیدگی به جرایم متعدد مرتکب، دادگاهی است که مهم ترین جرم قاچاق کالا و ارز در حوزه قضایی آن واقع شده باشد؛ و ضابطه تشخیص جرم مهم در مورد قاچاق کالا و ارز براساس بالاترین سقف میزان جزای نقدی آن فقره از جرم قاچاق کالا و ارز که نسبت به سایر جرایم متعدد مرتکب دارای بیشترین جزای نقدی می باشد. در صورتی که مجازات دو فقره از جرایم متعدد قاچاق مرتکب، میزان جزای نقدی آنها از حیث مجازات، یکسان و به یک اندازه باشد، دادگاهی که مرتکب جرم قاچاق در حوزه قضایی آن دستگیر شده است، صالح به رسیدگی به جرایم متعدد او خواهد بود. اما هرگاه جرایم متعدد قاچاق کالا و ارز مرتکب در حوزه های قضایی مختلف واقع شده باشد، ولی متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی صالح به رسیدگی به جرایم متعدد قاچاق متهم خواهد بود که ابتدائاً شروع به تعقیب جرم قاچاق نموده است.

به علاوه، هرگاه کسی متهم به ارتکاب جرایم متعددی مانند سرقت، جعل و تزویر اسناد و قاچاق کالا و ارز شده باشد، که رسیدگی

به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه عمومی و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا دادگاه نظامی باشد، در این صورت ابتدا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهم ترین آن اتهامات را دارد، صالح به رسیدگی و صدور حکم است و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر، به دادگاه مربوط اعزام خواهد شد.

اما در صورتی که اتهامات وارد شده به متهم از حیث کیفر مساوی باشد متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاه انقلاب و دادگاه عمومی محاکمه می شود.

در این قبیل موارد شرکای جرم قاچاق کالا و ارز و معاونین جرم نیز در دادگاهی محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارا می باشد و چنانچه یکی از اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب قاچاق کالا و ارز شده و در ایران دستگیر شود، در دادگاهی محاکمه می شود که مرتکب در حوزه قضایی آن دستگیر شده است.

۲- سازمان تعزیرات حکومتی و صلاحیت آن:

همان گونه که قبلاً اشاره شد، در مناطقی که تاکنون دادگاههای عمومی و انقلاب تشکیل نشده است، به موجب ماده (۱۱) آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب هیأت وزیران، سازمان تعزیرات حکومتی مستقر در محل، در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی می باشد، شعب تعزیرات دارای همان اختیاراتی خواهند بود که قضات دادگاههای قضایی، اعم از دادگاه انقلاب یا دادگاه عمومی در رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز دارند؛ و برطبق تبصره دوم ماده (۱۱) آیین نامه اجرایی مذکور، سازمان تعزیرات حکومتی در صورت تطویل دادرسی یا عدم رسیدگی مراجع قضایی، در مهلت مقرر (بیش از یک ماه) و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده ها، مجاز به رسیدگی به موارد تخلف براساس بدل پرونده که از طرف سازمان شاکی ارائه شده است، نیز می باشد. در این قبیل موارد، مراتب رسیدگی و نتیجه حکم توسط سازمان تعزیرات حکومتی به سازمان شاکی و واحدهای قضایی ذی ربط اعلام می شود.

رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز ذاتاً در صلاحیت دادگاه انقلاب است مگر اینکه در حوزه قضایی محل وقوع جرم، دادگاه انقلاب وجود نداشته باشد، که در این صورت دادگاه عمومی صالح به رسیدگی به پرونده های قاچاق در آن حوزه خواهد بود

هرگاه جرایم متعدد قاچاق کالا و ارز مرتکب در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شده باشد، ولی متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی صالح به رسیدگی به جرایم متعدد قاچاق متهم خواهد بود که ابتدائاً شروع به تعقیب جرم قاچاق نموده است

شایان ذکر است که ترتیب رسیدگی شعب تعزیرات حکومتی در این قبیل موارد، طبق آیین‌نامه اجرایی قانون (اصلاح قانون تعزیرات حکومتی) مصوب ۱۳۷۳/۷/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود.

آرای صادر شده توسط شعب تعزیرات حکومتی در خصوص قاچاق کالا

و ارز قطعی می‌باشد و مطابق آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب هیأت وزیران، سازمان تعزیرات در مورد ضبط کالا یا ارز و اخذ جریمه و فروش کالا اقدام خواهد نمود؛ و چنانچه محکوم علیه خود را میرا از توجه اتهام بداند، حق دارد ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از رئیس سازمان تعزیرات حکومتی درخواست رسیدگی نماید. چنانچه رئیس سازمان تعزیرات حکومتی، رأی را برخلاف قانون تشخیص دهد، آن را نقض کرده و جهت رسیدگی به شعبه تجدیدنظر ارسال می‌دارد. رأی شعبه تجدیدنظر قطعی است.

گفتار سوم:

تشریفات رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز

از تاریخ ۱۳۷۴/۳/۹، زمان تصویب دستورالعمل رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز موضوع تبصره یک ماده (۴) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی، توسط رئیس قوه قضاییه که ضمن چهارده ماده تدوین گردیده است، رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، خارج از تشریفات آیین دادرسی کیفری و منحصرأ برطبق مفاد این دستورالعمل و به ترتیب زیر صورت خواهد گرفت:

۱- رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، خارج از نوبت صورت می‌گیرد و مرجع قضایی به محض وصول گزارش یا شکایت از طرف سازمان‌های شاکی، پرونده را در دفتر کل دادگاه ثبت و به شعبه مربوطه ارجاع خواهد نمود، و شعبه مرجوع‌الیه رسیدگی به پرونده را خارج از نوبت و حداکثر در ظرف زمان سی روز موظف به

رسیدگی و صدور رأی قانونی خواهد بود؛ و چنانچه مرجع قضایی در مهلت مذکور موفق به صدور رأی نگردد، پرونده به درخواست سازمان شاکی به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال خواهد شد.

۲- چنانچه در جریان رسیدگی، مرجع قضایی تحقیقاتی را برای صدور حکم مقتضی لازم بداند نسبت به انجام آن اقدام یا اینکه انجام آن را از ضابطین قوه قضاییه خواهد خواست. در این صورت، ضابطین مذکور ظرف مدت یک هفته باید دستور دادگاه را اجرا نموده و پرونده را به دادگاه اعاده نماید. در غیر این صورت، دادگاه موظف است پرونده را مطالبه نموده و به نحو مقتضی مبادرت به صدور رأی نماید.

۳- عدم حضور متهم، مانع از رسیدگی و صدور حکم نبوده و چنانچه دادگاه رسیدگی کننده ادله جرم را برای توجه اتهام به متهم کافی بداند یا متهم پس از تفهیم اتهام ظرف مهلت مقرر، در شعبه دادگاه حضور پیدا نکند و لایحه‌ای هم ارسال نکند، دادگاه اقدام به صدور رأی خواهد نمود.

در مواردی که متهم به جرم قاچاق کالا و ارز متواری گردد، دادگاه در مهلت مقرر در قانون غیاباً به پرونده رسیدگی نموده و رأی مقتضی صادر خواهد نمود. بدیهی است که آرای دادگاه‌های صالح به رسیدگی در خصوص قاچاق کالا و ارز لزوماً باید مانند سایر احکام، مستند به مواد قانونی باشد و به موجب آن رأی صادر گردیده باشد.

۴- دادگاه رسیدگی کننده به پرونده قاچاق کالا و ارز، حق اعمال تخفیف یا تعلیق مجازات در مورد جزای نقدی موضوع پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را ندارد.

۵- محکوم علیه به جرم قاچاق کالا و ارز موظف است از تاریخ ابلاغ رأی صادر شده ظرف بیست روز نسبت به پرداخت جریمه اقدام نماید. در غیر این صورت، جزای نقدی از محل وثیقه سپرده شده و یا فروش اموال محکوم علیه - به غیر از مستثنیات دین - جریمه وصول خواهد شد.

گفتار چهارم:

تجدیدنظر خواهی از آرای مربوط به قاچاق

برطبق مادتين (۱۱) و (۱۲) دستورالعمل اجرایی قانون نحوه تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوب ۱۳۷۳/۳/۹، آرای صادر شده (از دادگاه‌های انقلاب و دادگاه‌های عمومی و سازمان تعزیرات حکومتی در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد و بلافاصله به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. به علاوه محکوم علیه موظف است از تاریخ ابلاغ رأی صادر شده ظرف بیست

روز نسبت به پرداخت جریمه اقدام نماید. در غیر این صورت، از محل وثیقه سپرده شده یا فروش اموال وی غیر از مستثنیات دین، جریمه وصول خواهد شد.

شایان ذکر است که قطعیت آرای بدوی راجع به قاچاق کالا و ارز و لازم الاجرا بودن آن، که مانع حق اعتراض محکوم علیه می‌شد دیری نپایید و در ۱۳۷۹/۸/۲۹ طبق نظر رئیس وقت قوه قضاییه، مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) دستورالعمل اجرایی سابق نحوه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۳/۹ رئیس سابق قوه قضاییه از متن این دستورالعمل حذف شد و از تاریخ انتشار نظریه اخیر رئیس قوه قضاییه در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، و رعایت مدت زمان لازم الاجرا بودن آن، احکام صادر شده در خصوص قاچاق کالا و ارز از لحاظ قطعیت یا عدم قطعیت و قابلیت یا عدم قابلیت تجدید نظر خواهی و مرجع آنها مانند سایر احکام جزایی است.^(۱)

اولاً: نظر به این که دیوان عدالت اداری به موجب اصل یک صد و هفتاد و سوم قانون اساسی، صلاحیت انجام مأموریت‌های قوه قضاییه ناظر به امر رسیدگی به شکایت و حل و فصل دعاوی و اخذ تصمیم و اقدام لازم برای صدور حکم را ندارد؛ بلکه منحصراً حق رسیدگی به تخلفات از مقررات آیین نامه و تصمیمات اداری سازمان‌های دولتی را دارا می‌باشد. در مانحن فیه، نیز صدور رأی وحدت رویه از طرف دیوان عدالت اداری در خصوص دستورالعمل نحوه رسیدگی ماهوی به امر قاچاق کالا و ارز که به دستور قانون اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب تشخیص مصلحت نظام صورت گرفته است، نوعی تجاوز از حدود صلاحیت قانونی آن دیوان است که فاقد اعتبار قانونی به نظر می‌رسد.

ثانیاً: چون قانونگذار در تبصره (۱) ماده (۲) مصوبه مجمع تشخیص نظام، بصراحت شکلی بودن نحوه رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز را از نظر آیین دادرسی کیفری متذکر شده، و این مقصود خود را با استفاده از کلمه "و او" برای تجویز تجدید نظر از رأی بدوی برای محکوم علیه جزایی منحصر به شکلی بودن تجدید نظر خواهی عطف نموده است؛ بنابراین، حق تجدید نظر خواهی از نظر ماهوی برای تجدید نظر خواه از رأی بدوی به قوت خود باقی است که از نظر دیوان عدالت اداری به دور مانده است.

ثالثاً: اعمان نظر در نکات فوق، نتیجه‌ای رابه دست می‌دهد که به نظر ما در صورتی که قوه قضاییه مصلحت بدانند می‌تواند مستنداً به اصل هفتاد و سوم قانون اساسی، ضمن استفسار از مجمع تشخیص مصلحت نظام - واضح تبصره (۱) ماده (۴) قانون یاد شده - بخواهد که آیا مراد از عطف تجدید نظر از رأی بدوی دادگاه راجع به قاچاق کالا

دادگاه رسیدگی کننده به پرونده قاچاق کالا و ارز، حق اعمال تخفیف یا تعلیق مجازات در مورد جزای نقدی موضوع پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را ندارد

و ارز به تشریفات دادرسی مذکور در تبصره یاد شده، از لحاظ شکلی است یا ماهوی؟ تا به این برداشتهای مختلف خاتمه دهد. اما حذف مواد یاد شده از دستورالعمل اجرایی توسط رئیس قوه قضاییه که با توجه به مفاد تبصره (۱) ماده (۴) قانون اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز اتخاذ شده بود، در عمل، استنباطات متفاوتی را در مراجع قضایی موجب گردیده است. بعضی از محاکم رأی صادر شده دادگاه بدوی در خصوص قاچاق کالا و ارز را قابل تجدید نظر دانسته و برخی آن را غیر قابل تجدید نظر می‌دانند. از طرفی دیگر، دیوان عدالت اداری نیز در خصوص حذف مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) از دستورالعمل رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز موضوع تبصره (۱) ماده (۴) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی، به تقاضا و اعتراض ذی نفع از دیوان عدالت در این مورد، خود را صالح به رسیدگی دانسته و پس از رسیدگی، در اظهار نظر نهایی که ضمن دادنامه شماره ۱۱۴ مورخ ۸۰/۴/۱۰ با صدور رأی وحدت رویه قضایی اعلام نموده، حذف مواد یاد شده را توسط رئیس قوه قضاییه، بی اعتبار اعلام نموده است.

بنابراین، صدور آرای تجدید نظر از سوی دادگاههای تجدید نظر در مراکز استان کشور، که موخّر بر صدور دادنامه و رأی وحدت رویه قضایی دیوان عدالت اداری صادر شده و به مرحله اجرا درآمده ضرورت نقد و بررسی این رأی دیوان عدالت اداری را ایجاب می‌نماید، که به اختصار به آن اشاره می‌کنم.

۱- جهات درخواست تجدید نظر

قانونگذار در فصل اول از باب سوم در ماده (۲۴۰) قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸، جهات درخواست تجدید نظر از رأی دادگاه را به قرار زیر پیش بینی کرده است:

(۱) ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا فقدان شرایط قانونی شهادت شهود و یا دروغ بودن شهادت آنها.

(۲) ادعای مخالف بودن رأی با قانون.

(۳) ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی.

۴) ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادر کننده رأی.

بنابراین، صرف قابل تجدیدنظر بودن رأی صادر شده راجع به قاچاق کالا و ارز و درخواست ذی نفع برای تجدیدنظر، برای پذیرش این درخواست کافی نمی باشد. یا به سخن کوتاه، متقاضی تجدیدنظر مکلف است که علت و جهت قانونی تجدیدنظر خواهی خود را نیز اعلام نماید.

امعان نظر در مفاد بندهای چهارگانه یاد شده به خوبی نشان می دهد که ادعای هر یک از موارد چهارگانه احصا شده برای تجدیدنظر و هرگونه مدارک یا دلایلی که در این زمینه مستند تجدیدنظر خواهی است، باید در مراجع ذی صلاح به اثبات برسد و حکمی درباره آن صادر گردد.

ضمناً، در تبصره ذیل ماده (۲۴۰) مرقوم آمده است: «اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد، در صورت وجود جهات دیگر، مرجع تجدیدنظر می تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.»

از مفاد تبصره، این نتیجه به دست می آید که قانونگذار به دادگاه تجدیدنظر اجازه داده است چنانچه تجدیدنظر خواه به یکی از موارد چهارگانه در این ماده استناد کند، اما دادگاه آن ایراد را وارد تشخیص ندهد، در حالی که رأی دادگاه بدوی به نظر دادگاه به جهت دیگری مخدوش باشد، می تواند آن رأی را نقض نماید.

مهلت درخواست تجدیدنظر به موجب ماده (۲۳۶) قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت و خواهی است، مگر در موارد مذکور در ماده (۲۴۰) این قانون که محدودیت زمانی ندارد.

۲- مرجع تجدیدنظر و اشخاص مجاز به درخواست تجدیدنظر:
مرجع اصلی برای تجدیدنظر خواهی از آرای دادگاههای انقلاب و عمومی راجع به قاچاق کالا و ارز در هر حوزه قضایی، دادگاه تجدیدنظر همان استان است؛ ولی صلاحیت دیوان عالی کشور در تجدیدنظر خواهی به موجب قسمت اخیر ماده (۲۳۳) قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸، یک حالت استثنایی است. اشخاص مجاز به درخواست تجدیدنظر به موجب ماده (۲۳۹) این قانون به قرار ذیل است:

- ۱) محکوم علیه یا وکیل و نماینده قانونی او،
- ۲) شاکی خصوصی یا وکیل یا نماینده قانونی او،
- ۳) رئیس حوزه قضایی در خصوص جرایمی که به موجب قانون، آنها به عهده او واگذار شده است.

مبحث دوم:

همکاری و مساعدت در ارتکاب قاچاق کالا و ارز

ارتکاب جرم قاچاق مانند هر جرم دیگری، در بعضی از موارد ممکن است توسط دو یا چند نفر تحقق پیدا کند. در این قبیل موارد، چنانچه غیر از مباشر قاچاق، کسان دیگری با علم و اطلاع از قصد مباشر با تسهیل وسایل ارتکاب قاچاق به مباشر جرم کمک و مساعدت نمایند تحت عنوان معاون قاچاق یاد می شوند و هرگاه کسانی با علم از قصد مجرمانه مباشر و تبانی قبلی با او در انجام عملیات مادی قاچاق مداخله و با او همکاری کنند، به طوری که قاچاق به همه آنها نسبت داده شود، به عنوان شرکای جرم تلقی می شوند. ضابطه تشخیص معاون از شریک در ارتکاب جرم قاچاق در سیستم جزایی ایران، بر اساس قابل استناد بودن یا نبودن عملیات مجرمانه آنها به فعل انجام یافته از ناحیه آنان است.

بدیهی است منظور از طرح این عناوین برای بحث تفصیلی در مورد آنها نیست و این موضوع باید در حقوق جزای عمومی مطرح گردد؛ لیکن در این مقال تا حدی که به جرم قاچاق کالا و ارز مربوط می شود به اختصار آنها را مورد بحث قرار می دهیم.

گفتار اول:

شرکت در قاچاق کالا و ارز

به طور کلی، مشارکت در جرایمی جرم محسوب می شود که قانونگذار شرکت در ارتکاب آنها را جرم شناخته باشد. از این رو، وصف مجرمانه شرکت، وصفی است قانونی که به اعتبار آن، آثار کیفری بر فعل شریک بار می گردد.

در مانحن فیه، نیز قانونگذار با وضع و تصویب ماده (۳) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب سال ۱۳۱۲ و اصلاحات بعدی آن، وصف مجرمانه شرکت در جرم قاچاق را بدین نحو پذیرفته است: «در مورد شرکای جرم قاچاق، عین مال ضبط و هریک از شرکا به کیفر حبس مقرر در ماده (۱) محکوم می شوند و دادگاه سهم هر یک را از کل جزای نقدی مقرر تعیین و آنان را متضامناً به پرداخت آن محکوم می نماید و در صورتی که مال قاچاق از بین رفته باشد بهای آن از کلیه شرکا متضامناً وصول خواهد شد.»

از نظر عنصر مادی، مشارک در ارتکاب قاچاق نیز بر اساس ماده

صرف قابل تجدیدنظر بودن رأی صادر شده راجع به قاچاق کالا و ارز و درخواست ذی نفع برای تجدیدنظر، برای پذیرش این درخواست کافی نمی باشد. یا به سخن کوتاه، متقاضی تجدیدنظر مکلف است که علت و جهت قانونی تجدیدنظر خواهی خود را نیز اعلام نماید

(۴۲) قانون مجازات اسلامی، ضابطه تشخیص شرکت در ارتکاب جرم قاچاق مستفاد از عبارت مندرج در این ماده مبنی بر اینکه (جرم مستند به عمل همه آنها باشد) مستلزم مداخله یکایک شرکا در عملیات اجرایی جرم است. هر چند عمل هر یک از شرکای قاچاق در نتیجه‌ای که از عملیات جمعی آنها حاصل می‌شود یکسان نباشد؛ اما این نکته را نباید از نظر دور داشت، شرط مهم در تحقق شرکت در جرم قاچاق مانند هر جرم تعزیری دیگری این است که عمل هر یک از مداخله‌کنندگان در عملیات اجرایی جرم قاچاق، جزئی از علت وقوع جرم قاچاق باشد. منظور از عنصر روانی شرکت در ارتکاب قاچاق نیز عبارت است از علم و اطلاع شرکا نسبت به ماهیت جرم ارتكابی قاچاق. بنابراین، برای تحقق و احراز عنصر روانی شرکا در جرم قاچاق باید هر یک از شرکا دارای قصد مجرمانه به نامشروع بودن عمل قاچاق با مباشر جرم بوده و فعل مجرمانه را به قصد حصول نتیجه فرار از پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و لطمه‌زدن به عایدات دولت به اجرا درآورند تا مشمول مجازات‌های مقرر در ماده (۳) مرقوم گردند.

گفتار دوم

معاونت در ارتکاب قاچاق کالا و ارز

اصولاً معاونت در ارتکاب جرم زمانی قابل تحقق است که عملیات معاون، موجب وقوع جرم گردد. از طرفی دیگر، براساس تعریف قانونی جرم در ماده (۲) قانون مجازات اسلامی، وجود جرم بودن فعل مباشر اصلی شرط تحقق مجرمانه بودن عمل معاونت است. از این رو، اگر عمل مباشر جرم نباشد، معاونت در ارتکاب فعل مذکور نیز جرم نیست. پس معاونت فی نفسه جرم مستقلی نیست، بلکه تابع وصف فعل مجرمانه مباشر اصلی است و در مانحن‌فیه، نیز معاونت در ارتکاب جرم قاچاق چون قاچاق فی نفسه و براساس قانون جرم است، معاونت در ارتکاب قاچاق به شرط وجود وحدت قصد بین مباشر و معاون قاچاق و تقدم یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر به موجب ماده (۴۳) قانون مجازات اسلامی، جرم محسوب خواهد شد. در راستای این سیاست جنایی تقنینی، عنصر قانونی معاونت در ارتکاب قاچاق را قانونگذار در عبارت قسمت اخیر ماده (۳) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب سال ۱۳۱۲ و اصلاحات بعدی آن بدین نحو آورده است. «... کیفر حبس معاون جرم برابر کیفر مباشر آن است؛ ولی به جزای نقدی و بهای مال از بین رفته محکوم نخواهد شد، مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری برای آن مقرر شده باشد.»

در خصوص عنصر مادی معاونت، به موجب ماده (۴۳) قانون مجازات اسلامی، با اینکه همان‌گونه که اشاره شد، عمل معاون با

در نظر گرفتن فعل مجرمانه فاعل اصلی، جرم شناخته می‌شود. بنابراین، قانونگذار اعمال مصرح در این ماده را شرط معاونت قرار داده و آنها را بدین ترتیب در این ماده آورده است: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند: ۱- هر کس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

۲- هر کس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارایه دهد.

۳- هر کس عالماً عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.»

بنابراین، دادگاه برای احراز معاونت در جرم قاچاق، با وجود شرایطی که گفته شد، لازم است که در حکم صادر شده مشخص نماید که عمل معاون در قاچاق کالا و ارز با کدام یک از عناوین مذکور در بندهای سه گانه فوق در ماده (۴۳) قابلیت انطباق داشته است. برای مثال: در مورد بند سوم، برای تحقق معاونت در جرم قاچاق کالا و ارز از طریق تسهیل در وقوع جرم، لازم است که کسی با داشتن و قصد و تقدم بین عمل معاون و مباشر قاچاق، وسیله نقلیه خود را به منظور انجام فعل قاچاق کالا در اختیار مباشر قاچاق قرار دهد و او نیز برای انجام قاچاق کالا از آن وسیله استفاده کرده باشد. اقدام عالمانه و عمدی صاحب وسیله نقلیه که با تبانی با مباشر قاچاق صورت گرفته و منتهی به ارتکاب جرم شده است، برای تحقق معاونت در ارتکاب قاچاق کفایت می‌کند و کیفر معاون در قاچاق کالا از نظر کیفر حبس مذکور در ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق سال ۱۳۱۲ و اصلاحات بعدی آن، برابر با مجازات مباشر قاچاق خواهد بود؛ ولی معاون در ارتکاب قاچاق از جزای نقدی و پرداخت بهای کالا در صورت از بین رفتن آن، هیچ نوع مسئولیت جزایی و مجازاتی ندارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در تبصره یک ماده (۴) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، آمده است: «رسیدگی به پرونده‌های این قانون تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر نبوده و از جهت ایجاد وحدت رویه در نحوه رسیدگی محاکم قضایی، دستورالعمل مربوط به وسیله قوه قضاییه ظرف مدت دو هفته پس از تصویب این قانون تهیه و به مراجع ذی‌ربط ابلاغ خواهد شد.»

۲- روزنامه رسمی، شماره ۱۶۸۷۹/۱۱۶۸ مورخ ۱۳۷۹/۸/۹ مندرج در شماره ۱۶۲۳۶ سال پنجاه و ششم، ویژه قوانین و مقررات، یکشنبه ۱۳۷۹/۸/۲۹.